

بررسی تأثیر آموزش زبان فارسی از طریق روایت‌های ادبی بر ارتقای درک بینافرهنگی زبان آموزان

مری. عقیل فاضل کریم شریده

اداره آموزش و پرورش کرخ دوم

وزارت آموزش و پرورش

کلمات کلیدی: آموزش زبان فارسی، روایت‌های ادبی، درک بینافرهنگی، متون فارسی، مهارت‌های ارتباطی
چکیده

این پژوهش به بررسی تأثیر آموزش زبان فارسی از طریق روایت‌های ادبی بر ارتقای درک بینافرهنگی زبان‌آموزان می‌پردازد. زبان فارسی، با تاریخچه غنی ادبی و فرهنگی، به‌عنوان ابزاری مؤثر برای تقویت درک بینافرهنگی و توانش ارتباطی زبان‌آموزان شناخته می‌شود. هدف این تحقیق تحلیل تأثیر متون ادبی فارسی، از جمله داستان‌های کوتاه و اشعار کلاسیک، بر درک مفاهیم فرهنگی زبان‌آموزان و طراحی الگویی کاربردی برای استفاده مؤثر از این متون در کلاس‌های زبان فارسی است. پژوهش حاضر با استفاده از روش کیفی و تحلیل محتوا، داده‌ها را از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختار یافته و بازخوردهای زبان‌آموزان جمع‌آوری کرده و به تحلیل مضمون پرداخته است. نتایج نشان داد که استفاده از روایت‌های ادبی فارسی تأثیرات قابل توجهی در ارتقای درک بینافرهنگی زبان‌آموزان دارد و آن‌ها توانسته‌اند مفاهیم فرهنگی پیچیده‌ای مانند "تعارف"، "آبرو" و "حیا" را بهتر درک کنند. در نتیجه آموزش زبان فارسی از طریق روایت‌های ادبی نه تنها به تقویت مهارت‌های زبانی کمک می‌کند، بلکه زبان‌آموزان را قادر می‌سازد تا مفاهیم فرهنگی را درک کرده و توانش بینافرهنگی خود را افزایش دهند.

1. مقدمه

امروزه، آموزش زبان تنها به انتقال واژگان و دستور زبان محدود نمی‌شود؛ بلکه نیازمند درک عمیق از زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی و تاریخی زبان است (وکیلی فر، 1403). زبان فارسی به‌عنوان یک زبان با پیشینه‌ی غنی ادبی و فرهنگی، علاوه بر کارکرد ارتباطی، حامل مفاهیم و ارزش‌های فرهنگی است که می‌تواند در ارتقای درک بینافرهنگی زبان‌آموزان نقش مهمی ایفا کند (مصطفائی علائی، 1395). روایت‌های ادبی فارسی، از داستان‌های کوتاه تا اشعار کلاسیک و

متون کهن، به عنوان منابعی غنی از مفاهیم فرهنگی و اجتماعی، فرصتی مناسب برای آشنایی زبان آموزان با فرهنگ ایرانی-اسلامی فراهم می‌آورد (نفیسی، 1392). با این حال، آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان بدون توجه به این ابعاد فرهنگی نمی‌تواند به درک کاملی از زبان منتهی شود (Heidarian, 2025). بنابراین، مسئله‌ی اصلی پژوهش حاضر بررسی این موضوع است که چگونه می‌توان از روایت‌های ادبی فارسی به عنوان ابزاری مؤثر برای تقویت درک بینا فرهنگی زبان آموزان استفاده کرد و تأثیر این رویکرد در ارتقای توانش ارتباطی آنان چیست (2020، Namaziandost). ضرورت پرداختن به این موضوع در دنیای امروز بیشتر از پیش نمایان است. در عصری که ارتباطات میان فرهنگ‌ها و ملل مختلف در حال گسترش است، آموزش زبان به یک ابزار ضروری برای گفتگوی میان فرهنگ‌ها و تقویت صلاحیت بینا فرهنگی تبدیل شده است. زبان فارسی، به عنوان زبانی با پیشینه‌ی غنی فرهنگی و ادبی، می‌تواند نقش ویژه‌ای در این گفتگوی فرهنگی ایفا کند (میر دهقان، 1395). از آنجا که روایت‌های ادبی فارسی سرشار از مفاهیم فرهنگی و ارزش‌های اجتماعی هستند، می‌توانند فرصتی مناسب برای ارتقاء درک فرهنگی زبان آموزان و همچنین بهبود توانش ارتباطی آنان فراهم آورند (خدادادیان، 1403). همچنین، توجه به این مقوله می‌تواند به گسترش آموزش زبان فارسی در سطح بین‌المللی کمک کند. اگرچه اهمیت استفاده از روایت‌های ادبی در آموزش زبان به ویژه در آموزش زبان فارسی روشن است، اما با چالش‌های متعددی نیز مواجه است (Ayber, 2021). انتخاب متون ادبی مناسب با سطح زبانی زبان آموزان، تطبیق مفاهیم پیچیده و بافت‌های فرهنگی در متون ادبی با زبان آموزان از فرهنگ‌های مختلف، فاصله‌ی زمانی و فرهنگی میان متون کلاسیک فارسی و زبان آموزان معاصر، از جمله چالش‌های اساسی در این حوزه به شمار می‌روند (محمدی، 1403). همچنین، فقدان روش‌های آموزش مؤثر برای پیاده‌سازی این رویکرد در کلاس‌های زبان فارسی، و ارزیابی اثربخشی این متون در تقویت توانش بینا فرهنگی زبان آموزان از دیگر مسائل کلیدی این پژوهش است (Ahmadian, 2013). در سال‌های اخیر، مطالعات متعددی در زمینه آموزش زبان‌های خارجی از طریق ادبیات و روایت‌های فرهنگی انجام شده است (بدخشان، 1403).. صفوی و همکاران (1398) در تحقیقی نشان دادند که استفاده از متون ادبی، به ویژه داستان‌های کوتاه، می‌تواند حساسیت بینا فرهنگی زبان آموزان را افزایش دهد و درک آنان از فرهنگ مقصد را تغییر دهد (صفوی، 1398). در پژوهشی دیگر، یوسفی و محمدی (1400) تأثیر آموزش زبان فارسی از طریق متون ادبی معاصر را بررسی کردند و نتیجه گرفتند که این رویکرد

نه تنها مهارت‌های زبانی فراگیران را تقویت می‌کند، بلکه درک آنها از ارزش‌ها و الگوهای اجتماعی ایران را نیز بهبود می‌بخشد (یوسفی و محمدی، 1400). با وجود تحقیقات انجام‌شده، هنوز در این زمینه شکاف‌های تحقیقاتی قابل توجهی وجود دارد. اکثر مطالعات متمرکز بر زبان‌های اروپایی هستند و پژوهش‌های مربوط به آموزش زبان فارسی با رویکرد بینا فرهنگی و استفاده از روایت‌های ادبی بسیار محدود بوده است. همچنین، کمتر پژوهشی به‌طور خاص به بررسی تأثیر روایت‌های ادبی فارسی بر ارتقای درک بینا فرهنگی زبان‌آموزان پرداخته است. علاوه بر این، در بسیاری از مطالعات موجود، به نبود چارچوب‌های آموزشی مناسب برای انتخاب و استفاده از متون ادبی فارسی در کلاس‌های زبان‌آموزی اشاره شده است (سعادت نژاد، 1398). پژوهش حاضر در صدد پر کردن این شکاف‌ها است. هدف اصلی این پژوهش، بررسی تأثیر آموزش زبان فارسی از طریق روایت‌های ادبی بر ارتقای درک بینا فرهنگی زبان‌آموزان و همچنین طراحی الگویی کاربردی برای استفاده مؤثر از این روایت‌ها در فرایند آموزش زبان فارسی است. نوآوری این تحقیق در این است که به بررسی انواع مختلف روایت‌های ادبی فارسی، از متون کلاسیک تا داستان‌های معاصر، پرداخته و تأثیر آنها بر توانش بینا فرهنگی زبان‌آموزان را به‌طور جامع و علمی تحلیل می‌کند. همچنین، طراحی ابزاری برای سنجش میزان درک بینا فرهنگی زبان‌آموزان و ارزیابی اثربخشی این رویکرد، از دیگر جنبه‌های نوآورانه این پژوهش به شمار می‌رود. در ادامه به بررسی مبانی نظری مرتبط با آموزش زبان از طریق روایت‌های ادبی، روش‌شناسی پژوهش، یافته‌ها و تحلیل‌های مربوط به آنها پرداخته خواهد شد.

2. مبانی نظری

1.2. ادبیات در جایگاه متن، پیام، گفتمان

ادبیات به‌عنوان یکی از ارکان مهم فرهنگ انسانی، در آموزش زبان دوم نقشی پیچیده و چندوجهی ایفا می‌کند. از دیدگاه زبان‌شناسی کاربردی، ادبیات به‌عنوان یک نظام پیچیده از پیام‌ها و گفتمان‌ها شناخته می‌شود که نه تنها محتویات زبانی، بلکه ابعاد فرهنگی-اجتماعی زبان را نیز در بر می‌گیرد. در نظریه گفتمان فرهنگی، متون ادبی به‌عنوان "فضای سوم" عمل می‌کنند؛ فضایی که در آن تعامل و تبادل میان فرهنگ‌های مبدأ و مقصد شکل می‌گیرد. این فضا برای زبان‌آموزان امکان می‌دهد تا از فراتر رفتن از دیدگاه‌های سطحی و کلیشه‌ای، به درک عمیق‌تری از فرهنگ زبان مقصد دست یابند. در این فضا، زبان‌آموزان نه تنها واژگان و دستور زبان را می‌آموزند، بلکه مفاهیم و ارزش‌های فرهنگی را نیز درک می‌کنند. در پارادایم آموزش زبان

ارتباط محور، متون ادبی دیگر صرفاً ابزاری برای آموزش قواعد دستوری نیستند؛ بلکه به عنوان "کنش گفتاری" در نظر گرفته می‌شوند. ادبیات به عنوان "زبان در کاربرد" عمل می‌کند، نه تنها به عنوان "زبان برای استفاده". این تمایز نه تنها در درک نظری زبان شناختی، بلکه در کاربرد عملی متون ادبی در آموزش زبان فارسی اهمیت ویژه‌ای دارد. روایت‌های ادبی فارسی، با ارائه کنش‌های گفتاری مختلف که در بستر فرهنگی و اجتماعی خاص خود معنی پیدا می‌کنند، به زبان‌آموزان این امکان را می‌دهند که الگوهای واقعی و کاربردی زبان را در شرایط فرهنگی مشاهده و تجربه کنند. بدین ترتیب، متون ادبی فارسی می‌توانند به عنوان یک ابزار مؤثر در فرآیند یادگیری و یاددهی زبان عمل کنند و فراتر از صرفاً آموزش ساختارهای زبانی، زمینه‌ساز ارتقای درک فرهنگی و بینا فرهنگی زبان‌آموزان شوند. از منظر نظریه ساخت‌گرایی اجتماعی، متون ادبی به عنوان "ابزارهای فرهنگی" عمل می‌کنند که فرآیند یادگیری زبان را تسهیل می‌سازند. متون ادبی فارسی به‌ویژه با ایجاد "منطقه تقریبی رشد"، به زبان‌آموزان این امکان را می‌دهند که در مرز میان دانش پیشین خود و یادگیری عناصر جدید فرهنگی، توانش زبانی-فرهنگی خود را ارتقا دهند. تعامل زبان‌آموز با متون ادبی نه تنها به صورت منفعلانه بلکه به عنوان یک فرایند فعال از ساخت معنا اتفاق می‌افتد. این فرایند، نمونه‌ای از مفهوم "گفتگومندی" است که در آن، خواننده و متن در یک گفتگوی پویا و دوطرفه قرار می‌گیرند و در این گفت‌وگو، دانش و تجربه پیشین زبان‌آموز با مفاهیم فرهنگی جدید ترکیب می‌شود (نوازی، 1403).

2.2. مزایای فرهنگی

استفاده از روایت‌های ادبی در آموزش زبان فارسی به‌ویژه در زمینه تقویت توانش بینا فرهنگی زبان‌آموزان، مزایای فرهنگی فراوانی دارد که می‌توان آن‌ها را از دیدگاه‌های نظری مختلف تبیین کرد. متون ادبی فارسی، با برخورداری از ویژگی‌های خاص خود، نقش مؤثری در ارتقای ابعاد مختلف توانش بینا فرهنگی ایفا می‌کنند. روایت‌های ادبی، به واسطه ماهیت چندلایه و غنی خود، فرصتی برای آشنایی زبان‌آموزان با نظام‌های ارزشی، هنجارها و باورهای فرهنگی جامعه ایرانی فراهم می‌آورند. این متون، به‌ویژه در زمینه آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان، ابزاری منحصر به فرد برای انتقال مفاهیم فرهنگی پیچیده فراهم می‌کنند که در دیگر منابع آموزشی ممکن است به طور کامل در دسترس نباشند. در این راستا، روایت‌های ادبی به زبان‌آموزان این امکان را می‌دهند که با مفاهیم و معانی فرهنگی خاص آشنا شوند و از این طریق به درک

عمیق‌تری از فرهنگ مقصد دست یابند. این متون، به‌عنوان یک کانال مؤثر برای انتقال فرهنگ، مفاهیمی چون هویت، تاریخ، ارزش‌ها و باورهای فرهنگی را در قالب داستان‌های انسانی و جذاب به مخاطب منتقل می‌کنند. در این زمینه، ادبیات به‌عنوان یک رسانه فرهنگی، فرصت‌هایی برای مواجهه زبان‌آموزان با دیدگاه‌ها و تجارب دیگران ایجاد می‌کند که امکان برقراری ارتباط میان فرهنگ‌های مختلف را فراهم می‌آورد. یکی از مهم‌ترین مزایای استفاده از روایت‌های ادبی در آموزش زبان، ایجاد "همدلی فرهنگی" است. با توجه به این‌که روایت‌های ادبی دربردارنده شخصیت‌ها و موقعیت‌های مختلف انسانی هستند، زبان‌آموزان در مواجهه با این متون قادر خواهند بود دیدگاه‌های دیگران را درک کنند و همدلی فرهنگی را تجربه نمایند. این فرایند به تقویت توانش بینا فرهنگی کمک می‌کند و به زبان‌آموزان این فرصت را می‌دهد تا از مرزهای فرهنگی خود فراتر رفته و به درک عمیق‌تری از جهان بینی، ارزش‌ها و نگرش‌های فرهنگ مقصد دست یابند. علاوه بر این، روایت‌های ادبی به‌واسطه آمیختگی زبان و محتوا، یادگیری زبان را با محتوای فرهنگی معنادار ترکیب می‌کنند. این رویکرد نه تنها به یادگیری زبان کمک می‌کند بلکه انگیزه درونی زبان‌آموزان را افزایش می‌دهد و فرایند یادگیری را به تجربه‌ای لذت‌بخش و مؤثر تبدیل می‌کند. در این راستا، متون ادبی فارسی به دلیل غنای فرهنگی و تنوع موضوعی‌ای که دارند، بستری مناسب برای پیاده‌سازی این رویکرد فراهم می‌آورند و به زبان‌آموزان کمک می‌کنند تا زبان را در بستر فرهنگی آن بیاموزند (لطیفی، 1401).

3.2. رویکرد فرهنگی

رویکرد فرهنگی در آموزش زبان دوم بر این اصل استوار است که زبان ذاتاً ابزاری فرهنگی است و نمی‌توان آن را از زمینه‌های فرهنگی خود جدا کرد. این رویکرد از دهه 1990 به‌واسطه طرح مفهوم "چرخش فرهنگی" در آموزش زبان، جایگاه ویژه‌ای پیدا کرد. در این دیدگاه، فرهنگ نه به‌عنوان یک عنصر فرعی، بلکه به‌عنوان "بافت" تمامی مهارت‌های زبانی در نظر گرفته می‌شود. در این راستا، زبان به‌عنوان یک ساختار زبانی که با هنجارها، باورها و ارزش‌های فرهنگی پیوند دارد، باید در قالب فرهنگ و زمینه اجتماعی آن آموزش داده شود. در زمینه آموزش زبان فارسی، این رویکرد اهمیت دوچندان پیدا می‌کند، چرا که زبان فارسی به‌عنوان یکی از زبان‌های غنی با میراث فرهنگی کهن و پیچیده ایران، نمی‌تواند جدا از فرهنگ خود تدریس شود. رویکرد فرهنگی در آموزش زبان فارسی، نیازمند گذار از مدل سنتی آموزش "درباره فرهنگ" به رویکردی است که در آن، زبان‌آموزان نه تنها با فرهنگ آشنا می‌شوند بلکه از طریق فرهنگ، زبان را نیز می‌آموزند.

این رویکرد تأکید دارد بر آگاهی زبان آموزان از پیچیدگی‌ها و تنوع‌های فرهنگی که در زبان نهفته است. بر اساس مدل "آگاهی بینا فرهنگی"، رویکرد فرهنگی باید به سه سطح آگاهی منجر شود: (1) آگاهی از فرهنگ خود، (2) آگاهی از فرهنگ دیگر، و (3) آگاهی از فضای بین فرهنگی. این مدل بر اهمیت تعامل میان فرهنگ‌ها و درک تفاوت‌ها و شباهت‌های میان آن‌ها تأکید دارد و بر این اساس، آموزش زبان نباید صرفاً به انتقال قواعد زبانی محدود شود، بلکه باید به ایجاد درک عمیق‌تری از فرهنگ و تعامل میان فرهنگ‌ها کمک کند. روایت‌های ادبی فارسی، با ظرفیت بازنمایی چندبعدی فرهنگ ایرانی، ابزار مناسبی برای پیاده‌سازی این رویکرد به شمار می‌آیند. این متون، به جای ارائه تصویری سطحی و یک‌بعدی از فرهنگ ایران، پیچیدگی‌ها و تضادهای آن را به نمایش می‌گذارند و به زبان آموزان کمک می‌کنند تا جنبه‌های مختلف فرهنگ ایرانی را درک کنند. این دیدگاه با نظریه "فرهنگ متغیر" همخوانی دارد که فرهنگ را به عنوان فرایندی پویا و متغیر تعریف می‌کند و نه مجموعه‌ای ثابت از واقعیت‌ها و هنجارها. علاوه بر این، رویکرد فرهنگی در آموزش زبان فارسی از طریق روایت‌های ادبی می‌تواند به تقویت "سواد انتقادی" زبان آموزان کمک کند. سواد انتقادی به توانایی خواندن و درک "پشت متن" اشاره دارد و به زبان آموزان این امکان را می‌دهد که نه تنها مفاهیم سطحی متن، بلکه ارزش‌ها، ایدئولوژی‌ها و روابط قدرتی که در آن نهفته است را شناسایی کنند. روایت‌های ادبی فارسی، با بافت تاریخی و اجتماعی غنی خود، زمینه‌ساز پرورش این مهارت در زبان آموزان هستند و می‌توانند آن‌ها را قادر سازند که از طریق تحلیل متون، نگاهی انتقادی به مفاهیم و مسائل فرهنگی مختلف پیدا کنند (مرشدی، 1396).

4.2. کارکردهای فرهنگی

1.4.2. گستره معنایی فرهنگ در آموزش زبان و ارتباط آن با ادبیات

مفهوم فرهنگ در آموزش زبان دوم، علاوه بر ابعاد متنی، به طیف وسیعی از معانی و جنبه‌های مختلف فرهنگی اشاره دارد که هر یک ارتباط خاصی با متون ادبی دارند. در این راستا، یکی از تقسیم‌بندی‌های کلاسیک فرهنگ به "فرهنگ بزرگ" (Big C Culture) و "فرهنگ کوچک" (Small c Culture) توجه دارد. فرهنگ بزرگ به جنبه‌های رسمی‌تر و شناخته‌شده‌تر فرهنگ، مانند ادبیات کلاسیک، هنر، موسیقی و تاریخ مربوط می‌شود، در حالی که فرهنگ کوچک به باورها، رفتارها، آداب و رسوم اجتماعی و سایر جوانب روزمره زندگی اشاره دارد. متون ادبی فارسی، با تنوع ژانرها و تاریخچه‌ای که دارند، شامل هر دو جنبه‌ی فرهنگ رسمی و روزمره

هستند و قادرند به طور همزمان هر دو بعد را در آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان بازتاب دهند. مفهوم گسترده فرهنگ در آموزش زبان، به ویژه زبان فارسی، به نحوی است که در نظر گرفتن جنبه‌های مختلف آن می‌تواند فهم عمیق‌تری از روابط میان زبان و فرهنگ فراهم کند. بر اساس نظریه‌های اخیر، مفهوم فرهنگ در آموزش زبان باید به گونه‌ای فراگیر و چندلایه در نظر گرفته شود. یکی از مدل‌هایی که به طور خاص در این زمینه قابل توجه است، مدل پنج‌لایه‌ای فرهنگ است که پنج بعد اصلی فرهنگ را شامل می‌شود: (1) لایه محصولات فرهنگی (Products)، که شامل آثار هنری، ادبی، مادی و فرهنگی است، (2) لایه اعمال اجتماعی (Practices)، که شامل رفتارها، آداب و رسوم اجتماعی و تعاملات روزمره افراد است، (3) لایه دیدگاه‌ها (Perspectives)، که به ارزش‌ها، جهان‌بینی‌ها و ساختارهای فکری یک جامعه مربوط می‌شود، (4) لایه جوامع (Communities)، که به گروه‌های اجتماعی و هویت‌های جمعی اشاره دارد، و (5) لایه اشخاص (Persons)، که به تجربیات فردی و هویت‌های شخصی در بستر فرهنگی مربوط می‌شود. این تقسیم‌بندی به ویژه در آموزش زبان فارسی اهمیت ویژه‌ای دارد، چرا که متون ادبی فارسی به طور ذاتی قادرند تمامی این لایه‌ها را به نمایش بگذارند و زبان‌آموزان را به درکی جامع از فرهنگ ایرانی-اسلامی هدایت کنند. یکی از ابعاد مهم ارتباط بین ادبیات و فرهنگ در آموزش زبان فارسی، نگاه نشانه‌شناختی به متون ادبی است. از منظر "نشانه‌شناسی فرهنگی"، متون ادبی به عنوان "متن‌های فرهنگی" عمل می‌کنند که نظام‌های نشانه‌ای یک جامعه را بازتاب می‌دهند. این نظام‌های نشانه‌ای شامل کدهای فرهنگی هستند که برای مشارکت در تعاملات اجتماعی و فهم عمیق‌تر معانی فرهنگی ضروری‌اند. متون ادبی فارسی، به ویژه با دربرگیری تاریخ و فرهنگ ایرانی، سرشار از این کدهای فرهنگی هستند که درک آن‌ها برای زبان‌آموزان اهمیت ویژه‌ای دارد. این کدها در متون داستانی، شعری و حکایات فارسی، به عنوان نمادهایی از باورها، ارزش‌ها و الگوهای رفتاری فرهنگ ایرانی-اسلامی عمل می‌کنند و برای زبان‌آموزان به عنوان وسیله‌ای برای ورود به جهان معنایی و فرهنگی زبان فارسی می‌باشند. این رویکرد نشانه‌شناختی، همچنین به زبان‌آموزان کمک می‌کند تا درک خود را از زبان فارسی و فرهنگ ایرانی ارتقا دهند و با استفاده از کدهای فرهنگی در تعاملات اجتماعی، ارتباطات فرهنگی مؤثرتری برقرار کنند. بدین سان، متون ادبی فارسی نه تنها ابزارهای زبانی، بلکه ابزارهای فرهنگی‌اند که بر مبنای نشانه‌ها و معانی نهفته در آن‌ها می‌توان فرآیندهای فرهنگی و اجتماعی پیچیده را در آموزش زبان به طور مؤثر منتقل کرد (صلاحی، 1403).

2.4.2. کارکردهای فرهنگی جهانشمول و قومی-ملی

کارکردهای فرهنگی متون ادبی در آموزش زبان دوم را می‌توان به دو دسته کلی تقسیم کرد: کارکردهای جهانشمول و کارکردهای قومی-ملی. این تقسیم‌بندی منعطف به نظریه‌های موجود در مطالعات بینا فرهنگی، به‌ویژه "امور مشترک انسانی" و "امور متغیر فرهنگی" است که بر اساس آن، هر فرهنگ ترکیبی از عناصر جهانی و خاص خود را در بر می‌گیرد. این تفکیک نه تنها در تبیین تفاوت‌های فرهنگی و انسانی مهم است، بلکه به زبان‌آموزان این امکان را می‌دهد تا ارتباط بهتری با فرهنگ مقصد برقرار کنند و از طریق درک تفاوت‌ها و شباهت‌ها، توانش بینا فرهنگی خود را بهبود بخشند. در چارچوب نظریه "ارتباط بینا فرهنگی"، هر فرهنگ می‌تواند ترکیبی از اصول جهانی (مشترک میان تمام فرهنگ‌ها) و متغیرهای خاص (منحصر به آن فرهنگ) باشد. شناخت این دو دسته از مفاهیم فرهنگی ضروری است برای آنکه زبان‌آموزان بتوانند به‌طور مؤثر با فرهنگ مقصد در تعامل قرار گیرند. در این راستا، متون ادبی فارسی با پرداختن به مفاهیم جهانشمول و قومی-ملی، فضای آموزشی مناسبی برای این تعامل فرهنگی فراهم می‌آورند (سلیمانی‌نژاد، 1392).

• مفاهیم جهانشمول (عاشقانه‌ها، عارفانه‌ها، اخلاق، فلسفه)

مفاهیم جهانشمول در ادبیات فارسی، نقاط اتصال فرهنگی میان زبان‌آموزان و فرهنگ ایرانی-اسلامی به شمار می‌روند. این مفاهیم به‌ویژه در داستان‌های عاشقانه، عارفانه، اخلاق و فلسفی، که در بسیاری از فرهنگ‌ها مشترک هستند، می‌توانند به زبان‌آموزان کمک کنند تا از طریق تجربیات آشنا، به درک مفاهیم و ارزش‌های ناآشنا در فرهنگ ایرانی دست یابند. این فرایند نه تنها در قالب تعالیم فرهنگی، بلکه بر اساس اصل "ادراک معنادار" در روان‌شناسی شناختی، یادگیری جدید را بر پایه دانش پیشین شکل می‌دهد. در این راستا، داستان‌های عاشقانه فارسی از جمله "خسرو و شیرین" نظامی تا داستان‌های عاشقانه معاصر، به‌عنوان نمونه‌ای از مفاهیم جهانشمول در ادبیات فارسی عمل می‌کنند. این روایت‌ها با پرداختن به موضوع عشق به‌عنوان یک تجربه انسانی مشترک، همزمان ابعاد فرهنگی خاص عشق در ایران و فرهنگ ایرانی-اسلامی را نیز بازنمایی می‌کنند. چنین روایتی، ضمن آشنایی زبان‌آموزان با موضوعی آشنا، نگاهی عمیق‌تر به پیچیدگی‌های فرهنگی و اجتماعی در ارتباط با عشق و روابط انسانی ارائه می‌دهد.

روایت‌های عارفانه فارسی، مانند مثنوی مولوی، با تأکید بر جستجوی معنای زندگی و تعالی معنوی، دیگر مفهومی جهانی را معرفی می‌کنند که برای زبان‌آموزان از فرهنگ‌های مختلف معنادار است. این متون به رغم ریشه‌های اسلامی خود، پیام‌هایی جهانی همچون جستجوی حقیقت، تسلیم به نیروی برتر، و فراتر رفتن از خود را مطرح می‌کنند که از یک فرهنگ خاص فراتر می‌روند. مفاهیم اخلاقی و فلسفی نیز از دیگر مفاهیم جهانشمول در ادبیات فارسی هستند. آثار کلاسیک همچون "گلستان" سعدی و متون معاصر اخلاقی، با پرداختن به مسائل بنیادین انسانی مانند خیر و شر، عدالت، آزادی و معنای زندگی، ابعاد عمیق‌تری از جهان‌بینی ایرانی-اسلامی را به زبان‌آموزان معرفی می‌کنند. این متون نه تنها سؤالات اساسی در مورد معنای زندگی و اصول اخلاقی را مطرح می‌کنند، بلکه از زبان و نشانه‌های فرهنگی خاص ایران برای بیان این مفاهیم استفاده می‌کنند (جبران خلیل، 1397).

• مفاهیم قومی-ملی (مناسبت‌های ملی، آداب و رسوم)

در کنار مفاهیم جهانشمول، مفاهیم قومی-ملی در متون ادبی فارسی، جنبه‌های منحصر به فرد فرهنگ ایرانی-اسلامی را بازتاب می‌دهند. این مفاهیم که در چارچوب "فرهنگ عمیق" قرار دارند، به زبان‌آموزان کمک می‌کنند تا درک عمیق‌تری از زبان فارسی به‌عنوان زبان فرهنگی خاص ایران پیدا کنند. بر اساس نظریه "فرهنگ-زبان" (Languaculture)، این عناصر فرهنگی خاص در متون ادبی فارسی به‌عنوان "نقاط گیر" (Rich Points) عمل می‌کنند که درک آن‌ها برای ورود به جهان معنایی زبان مقصد ضروری است. مناسبت‌های ملی ایران، نظیر نوروز، شب یلدا و دیگر جشن‌های ایرانی، در ادبیات فارسی با عمیق‌ترین معناها و روایت‌ها به تصویر کشیده شده‌اند. این روایت‌ها، با نشان دادن اهمیت این مناسبت‌ها در فرهنگ ایرانی و آداب و رسوم ویژه آن‌ها، نه تنها تاریخ و فرهنگ ایرانی را به زبان‌آموزان معرفی می‌کنند، بلکه لایه‌های پیچیده‌تری از هویت فرهنگی و ملی ایرانی را نیز آشکار می‌سازند. آداب و رسوم ایرانی، که در متون ادبی از جمله آداب تعارف، مهمان‌نوازی، مراسم عزاداری، و جشن‌ها به‌طور گسترده‌ای بازتاب می‌یابند، می‌توانند زبان‌آموزان را با ویژگی‌های اجتماعی و فرهنگی پیچیده این جامعه آشنا کنند. این متون نه تنها به توصیف آداب می‌پردازند، بلکه ارزش‌ها و جهان‌بینی نهفته در این مراسمات را نیز به نمایش می‌گذارند. شناخت این آداب، برای زبان‌آموزانی که می‌خواهند در تعاملات واقعی با فارسی‌زبانان موفق باشند، بسیار حیاتی است و درک آن‌ها می‌تواند از سوءتفاهم‌های فرهنگی جلوگیری کند. به‌طور خاص، مفاهیم پیچیده‌ای مانند "تعارف"،

"رودریاستی" و "تکلف" که برای بسیاری از غیرایرانی‌ها نامفهوم هستند، از طریق متون ادبی به زبان آموزان معرفی می‌شوند. این مفاهیم، که در بسیاری از موارد در تعاملات روزمره در فرهنگ ایرانی کاربرد دارند، می‌توانند به‌عنوان کدهای فرهنگی به زبان آموزان کمک کنند تا درک بهتری از نحوه ارتباطات اجتماعی و مفاهیم مرتبط با آن‌ها پیدا کنند و از مواجهه با سوءتفاهم‌های احتمالی اجتناب کنند (رئسی، 1398).

3. روش تحقیق

این پژوهش به‌صورت کیفی و با استفاده از روش تحلیل محتوا انجام شده است. ابتدا، به جمع‌آوری داده‌ها از طریق بررسی متون ادبی فارسی در قالب داستان‌ها، اشعار و متون کلاسیک پرداخته شد. سپس، به‌منظور ارزیابی تأثیر این متون بر درک بینافرهنگی زبان آموزان، از ابزارهای مختلف مانند مصاحبه‌های نیمه‌ساختار یافته و پرسشنامه‌های بازتابی استفاده شد. در این مرحله، زبان آموزان از کشورهای مختلف فرهنگی به‌عنوان نمونه انتخاب شدند تا تفاوت‌های بینافرهنگی آن‌ها در فرآیند یادگیری و درک مفاهیم فرهنگی فارسی بررسی شود. همچنین، برای ارزیابی اثربخشی روایت‌های ادبی فارسی در تقویت توانش بینافرهنگی، از تحلیل بازخوردهای زبان آموزان در ارتباط با مفاهیم فرهنگی مانند "تعارف"، "آبرو" و "حیا" استفاده گردید. داده‌ها با استفاده از روش تحلیل مضمون، که شامل شناسایی الگوها و مضامین مشترک در بازخوردهای زبان آموزان بود، تجزیه و تحلیل شدند. این تحقیق همچنین تلاش دارد تا مدل‌هایی برای استفاده مؤثر از روایت‌های ادبی در آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان طراحی کند و به ارزیابی میزان تأثیرگذاری این متون در ارتقای درک بینافرهنگی زبان آموزان بپردازد.

4. یافته‌ها

1.4. نمونه‌های موفق از بهبود درک بینافرهنگی با آموزش مبتنی بر روایت‌ها

تحلیل داده‌های به‌دست‌آمده از پژوهش حاضر، نمونه‌های موفق از بهبود چشمگیر درک بینافرهنگی زبان آموزان پس از آموزش مبتنی بر روایت‌های ادبی را نشان می‌دهد. این نمونه‌ها، نحوه تأثیرگذاری متون ادبی در ارتقای توانش بینافرهنگی و درک عمیق‌تر از مفاهیم فرهنگی را به‌طور واضحی نمایان می‌سازند.

یکی از برجسته‌ترین نمونه‌ها، استفاده از داستان "مهمان‌ها" اثر جلال آل احمد در کلاس‌های آموزشی بود. این داستان که به تحلیل پیچیدگی‌های تعارفات در یک مهمانی ایرانی پرداخته

است، به طور قابل توجهی به زبان آموزان کمک کرد تا مفهوم "تعارف" در فرهنگ ایرانی را که برای بسیاری مهم و حتی گاهی متناقض می نمود، به طور روشن تری درک کنند. پس از مطالعه و تحلیل داستان، یکی از زبان آموزان نوشت که اکنون درک کرده است که تعارف در فرهنگ ایرانی صرفاً یک رفتار ظاهری نیست، بلکه نوعی رقص اجتماعی پیچیده است که در آن، سخاوت و احترام متقابل به طور نمادین به نمایش گذاشته می شود. این درک جدید منجر به تغییر آشکار در نگرش و رفتار زبان آموز در تعاملات اجتماعی با ایرانیان شد.

نمونه موفق دیگر، استفاده از حکایت های "گلستان سعدی" در تحلیل مفاهیم اخلاقی چون کرم و بخشندگی بود. پس از مطالعه و تحلیل این حکایت ها، زبان آموزان توانستند ارزش های اخلاقی در فرهنگ ایرانی-اسلامی را با عمق بیشتری درک کنند. یکی از زبان آموزان در مصاحبه ای اظهار داشت که مطالعه حکایت مردی که با وجود فقر، مهمان خود را شرمند نکرده و چراغ را خاموش کرد تا مهمان متوجه سفره خالی نشود، دیدگاه او نسبت به بخشندگی کاملاً دگرگون کرد. در فرهنگ ایرانی، کرم مفهومی وسیع تر از سخاوت مادی دارد که شامل حفظ عزت نفس دیگران، بخشش زمان و توجه، و حتی فداکاری شخصی می شود. این تغییر درک به زبان آموزان کمک کرد تا مفاهیم اخلاقی ایرانی را با جزئیات بیشتری شناسایی کنند و درک عمیق تری از ارزش ها و رفتارهای اجتماعی ایرانیان پیدا کنند.

نمونه سوم، استفاده از داستان های عامیانه مرتبط با جشن نوروز بود. این داستان ها نه تنها زبان آموزان را با آداب و رسوم جشن باستانی نوروز آشنا کردند، بلکه به آن ها کمک کردند مفاهیم عمیق تر فرهنگی مانند نوزایی، امید، پیوند با طبیعت و احترام به گذشتگان را نیز درک کنند. یکی از زبان آموزان پس از انجام یک پروژه پژوهشی درباره نوروز بیان کرد که "نوروز برای من دیگر تنها یک جشن نیست، بلکه نمایی از جهان بینی ایرانی است. اینکه چگونه یک جشن باستانی، با وجود تغییرات مذهبی و سیاسی، توانسته است دوام بیاورد، نمایانگر قدرت هویت فرهنگی ایرانیان است. من توانستم شباهت هایی با جشن های بهاری در فرهنگ خودمان پیدا کنم، اما عمق نمادپردازی ها و آداب نوروز، منحصر به فرد است." این درک عمیق تر از جشن نوروز باعث شد که زبان آموزان در تعاملات خود با ایرانیان در زمان نوروز، ارتباطات فرهنگی معنادارتری برقرار کنند.

نمونه چهارم، استفاده از اشعار عاشقانه فارسی از حافظ، سعدی و فروغ فرخزاد بود که به زبان آموزان کمک کرد تا مفهوم "عشق" در فرهنگ ایرانی را درک کنند. برخلاف تصورات اولیه

بسیاری از زبان‌آموزان، آنان دریافتند که عشق در ادبیات فارسی طیف گسترده‌ای از معانی را در بر می‌گیرد، از عشق زمینی تا عشق عرفانی و الهی. یکی از زبان‌آموزان در گروه متمرکز اظهار داشت که "مطالعه اشعار عاشقانه فارسی به من نشان داد که در فرهنگ ایرانی، خط مشخصی میان عشق زمینی و آسمانی وجود ندارد و چگونه این دو می‌توانند با یکدیگر تلفیق شوند. این دیدگاه کاملاً با درک من از عشق در فرهنگ خود متفاوت است. اکنون می‌توانم بفهمم چرا در گفتگوهای روزمره ایرانیان، اشارات شاعرانه و عرفانی به عشق رایج است." این درک عمیق‌تر از مفهوم عشق در فرهنگ ایرانی باعث شد که زبان‌آموزان بتوانند روابط معنایی پیچیده‌تری از مفاهیم انسانی را در زبان فارسی شناسایی کنند و از آن در تعاملات فرهنگی خود بهره‌مند شوند.

2.4. تأثیر روایت‌های ادبی بر درک مفاهیم فرهنگی جهانشمول

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که روایت‌های ادبی فارسی تأثیر چشمگیری بر درک مفاهیم فرهنگی جهانشمول توسط زبان‌آموزان داشته‌اند. تحلیل‌های کیفی انجام‌شده از مصاحبه‌ها و یادداشت‌های بازتابی زبان‌آموزان حاکی از این است که این متون به زبان‌آموزان کمک کرده‌اند تا ارتباط‌های معناداری میان مفاهیم فرهنگی جهانشمول در فرهنگ خود و فرهنگ ایرانی برقرار کنند. این فرآیند به‌ویژه از طریق شناسایی شباهت‌ها و تفاوت‌ها میان مفاهیم مختلف صورت گرفت و به زبان‌آموزان اجازه داد تا درک دقیق‌تری از تفاوت‌های فرهنگی پیدا کنند. به‌طور خاص، درک مفاهیم مهمی مانند عشق، معنویت و اخلاق در روایت‌های ادبی فارسی برای زبان‌آموزان روشن‌تر شد. برای مثال، مفهوم "معنویت" در ادبیات فارسی، که در آثار مختلفی مانند مثنوی مولوی و دیگر متون عارفانه به‌طور گسترده مطرح می‌شود، به زبان‌آموزان این امکان را داد تا شباهت‌ها و تفاوت‌ها میان تجربیات معنوی در فرهنگ‌های مختلف را شناسایی کنند. این فرآیند را می‌توان به‌عنوان نوعی "پل‌سازی فرهنگی" توصیف کرد که در آن زبان‌آموزان با شناسایی شباهت‌های فرهنگی اولیه، به تفاوت‌های ظریف و پیچیده در نحوه بیان مفاهیم در فرهنگ‌های مختلف پی می‌برند. همچنین، مطالعه و تحلیل این روایت‌ها که همزمان ابعاد شناختی و عاطفی زبان‌آموزان را درگیر می‌کند، باعث شد که درک عمیق‌تر و پایدارتری از مفاهیم فرهنگی جهانشمول ایجاد شود. این فرآیند، که می‌تواند به‌عنوان یک یادگیری تجربی در نظر گرفته شود، به زبان‌آموزان این امکان را داد تا از طریق تحلیل و تفسیر روایت‌های ادبی، اصول فرهنگی را استخراج کرده و این اصول را در موقعیت‌های جدید به‌طور عملی به‌کار ببرند.

این روند، بر اساس مفاهیم یادگیری تجربی، نه تنها به درک عمیق‌تر مفاهیم کمک کرد، بلکه باعث شد زبان‌آموزان بتوانند مفاهیم فرهنگی را در تعاملات واقعی خود به کار گیرند. این یافته‌ها نشان‌دهنده این است که آموزش مبتنی بر روایت‌های ادبی می‌تواند تأثیر پایدار و عمیقی بر یادگیری مفاهیم فرهنگی جهانشمول داشته باشد و به زبان‌آموزان کمک کند تا علاوه بر درک بهتری از مفاهیم جهانی، ارتباطات بینافرهنگی خود را بهبود بخشند. نتایج کیفی این پژوهش حاکی از آن است که این نوع آموزش می‌تواند تغییرات ملموسی در نگرش‌ها و رفتارهای زبان‌آموزان در زمینه درک فرهنگی ایجاد کند و به توسعه توانش بینافرهنگی آنها کمک نماید.

3.4. تاثیر روایت‌های ادبی بر درک مفاهیم فرهنگی قومی-ملی

یافته‌های پژوهش در زمینه درک مفاهیم فرهنگی قومی-ملی نشان می‌دهد که روایت‌های ادبی فارسی تأثیرات متفاوت و قابل توجهی بر درک زبان‌آموزان از مفاهیم خاص فرهنگی مرتبط با هویت ملی و قومی ایرانی داشته‌اند. به طور خاص، پس از مطالعه و تحلیل این متون، زبان‌آموزان توانستند درک عمیق‌تری از مفاهیمی مانند "تعارف"، "آبرو"، "حیا" و "غیرت" پیدا کنند، مفاهیمی که جزئی جدایی‌ناپذیر از فرهنگ ایرانی به شمار می‌روند. با این حال، این تغییرات درک، به‌ویژه در مورد مفاهیم قومی-ملی، با توجه به تفاوت‌های فرهنگی زبان‌آموزان، از یکدیگر متفاوت بوده است. این تفاوت‌ها می‌تواند به‌طور عمده به تفاوت‌های فرهنگی میان فرهنگ مبدأ (زبان‌آموزان) و فرهنگ مقصد (ایران) نسبت داده شود. در حقیقت، همانطور که نظریه "فاصله فرهنگی" بیان می‌کند، هرچه فاصله میان فرهنگ مبدأ و مقصد بیشتر باشد، درک مفاهیم خاص فرهنگی پیچیده‌تر می‌شود. به این معنا که زبان‌آموزانی که با فرهنگ ایرانی از نزدیک آشنا بودند (مانند زبان‌آموزان افغانستانی، تاجیکستانی و عربی)، به‌طور نسبی پیشرفت بیشتری در درک مفاهیم قومی-ملی ایرانی داشته‌اند. این تفاوت‌ها همچنین با توجه به تفاوت‌های زبانی و فرهنگی میان زبان‌آموزان از مناطق مختلف، مثل زبان‌آموزان شرق آسیایی و اروپای شمالی، مشهود بود. برای مثال، مفاهیم خاص مانند "تعارف"، "آبرو" و "حیا" که در فرهنگ ایرانی دارای اهمیت ویژه‌ای هستند، برای زبان‌آموزان شرق آسیا، به‌ویژه کسانی که در فرهنگ‌های مشابه‌تری از نظر اجتماعی و سنتی زندگی می‌کنند، بیشتر قابل درک و مشابه‌تر بود. در حالی که این مفاهیم برای زبان‌آموزان از فرهنگ‌های غربی و اروپای شمالی که در تعاملات اجتماعی خود به‌طور کمتری با این مفاهیم آشنا هستند، چالش‌برانگیزتر بود. در این راستا، استفاده از روایت‌های ادبی مختلف به زبان‌آموزان کمک کرد تا این مفاهیم فرهنگی را در

موقعیت‌های واقعی به‌طور ملموس‌تری درک کنند. متون ادبی فارسی، با بیان داستان‌ها و حکایت‌های مرتبط با آداب و رسوم ایرانی، به زبان‌آموزان این فرصت را دادند تا با مفاهیم قومی-ملی ایرانی، از جمله جشن‌ها، مراسم و رفتارهای اجتماعی ویژه، آشنا شوند و ارتباطات فرهنگی خود را با این مفاهیم تقویت کنند. یکی از نکات جالب در این پژوهش، شناسایی "مفاهیم واسط" در میان زبان‌آموزان بود؛ مفاهیمی که در فرهنگ‌های مختلف وجود دارند اما به‌طور ظریف‌تری و با تفاوت‌هایی متفاوت معنا می‌شوند. زبان‌آموزان توانستند با شناسایی این مفاهیم واسط، پلی میان فرهنگ خود و فرهنگ ایرانی ایجاد کنند و به این ترتیب، مفاهیم قومی-ملی ایرانی را بهتر درک نمایند. این فرایند، که می‌توان آن را "یادگیری بینا فرهنگی مشارکتی" نامید، به‌ویژه در فهم مفاهیم پیچیده‌تری چون "غیرت"، "ناموس" و "چشم و هم‌چشمی" مؤثر واقع شد. در این فرایند، زبان‌آموزان از فرهنگ‌های مختلف با به اشتراک گذاشتن تفسیرها و برداشت‌های خود از متون ادبی، به یکدیگر در درک مفاهیم فرهنگی قومی-ملی کمک می‌کردند. در نهایت، این تحلیل کیفی نشان داد که روایت‌های ادبی نه تنها به زبان‌آموزان در درک مفاهیم فرهنگی قومی-ملی کمک کرده‌اند، بلکه آن‌ها را قادر ساختند تا با استفاده از "مفاهیم واسط" به‌طور مؤثرتر با فرهنگ ایرانی ارتباط برقرار کنند و مفاهیم قومی-ملی ایرانی را درک کنند. این فرایند نشان‌دهنده یک نوع "یادگیری بینا فرهنگی" است که در آن زبان‌آموزان به‌واسطه تجربیات مشترک و گفتگوهای گروهی، توانسته‌اند درک خود را از مفاهیم فرهنگی پیچیده‌تر و عمیق‌تر کنند.

4.4. تحلیل کیفی بازخورد زبان‌آموزان

تحلیل کیفی بازخورد زبان‌آموزان، چهار مضمون اصلی را آشکار ساخت که در ادامه به تفصیل تشریح می‌شوند:

1. پل زدن میان فرهنگ‌ها: این مضمون به تجربه زبان‌آموزان از یافتن نقاط مشترک میان فرهنگ خود و فرهنگ ایرانی اشاره دارد. زبان‌آموزان اذعان کردند که روایت‌های ادبی فارسی، با پرداختن به تجربیات انسانی مشترک مانند عشق، غم، امید و جستجوی معنا، به آن‌ها کمک کرده است تا با وجود تفاوت‌های ظاهری، پیوندهای عمیقی با فرهنگ ایرانی برقرار کنند. به‌عنوان مثال، یکی از زبان‌آموزان به تجربه خود از مطالعه داستان "سوشون" اشاره کرد و نوشت که با وجود تفاوت‌های فرهنگی، توانسته است با احساسات شخصیت‌ها ارتباط برقرار کرده و آن‌ها را با تجربیات مشابه در فرهنگ خود پیوند دهد. این نوع هم‌ذات‌پنداری نه تنها به

درک بهتر مفاهیم فرهنگی کمک کرده، بلکه در ایجاد فضایی برای گفتگو و تبادل فرهنگی مؤثر بوده است.

2. چالش‌های شناختی-فرهنگی: این مضمون به دشواری‌های زبان‌آموزان در درک برخی مفاهیم فرهنگی خاص اشاره دارد و به چالش‌هایی مانند مواجهه با ناآشنایی، تلاش برای رمزگشایی مفاهیم پیچیده و بازنگری در پیش‌فرض‌های فرهنگی پرداخته است. زبان‌آموزان گزارش دادند که مفاهیم فرهنگ ایرانی، مانند "تقدیرگرایی"، "شهادت‌طلبی" و "عرفان عاشقانه"، برایشان گاهی غریب و چالش‌برانگیز بوده است. با این حال، این چالش‌ها به آن‌ها این فرصت را داده که به‌طور عمیق‌تر در مورد تفاوت‌ها و شباهت‌های فرهنگی فکر کنند و پیش‌فرض‌های خود را بازنگری کنند. این فرآیند منجر به درک بهتری از مفاهیم فرهنگی ایرانی و بازتر شدن افق‌های فرهنگی زبان‌آموزان شد. یکی از زبان‌آموزان بیان کرد که مطالعه غزل‌های مولانا و بحث‌های کلاسی به تغییر دیدگاه او نسبت به مفهوم "خود" و ارتباط آن با دیگران و خدا منجر شد.

3. تغییر نگرش: این مضمون به تغییر دیدگاه زبان‌آموزان نسبت به برخی جنبه‌های فرهنگ ایرانی اشاره دارد و شامل زیرمضمون‌هایی چون شکستن کلیشه‌ها، درک پیچیدگی‌های فرهنگی و افزایش همدلی است. زبان‌آموزان اظهار داشتند که مطالعه روایت‌های ادبی، که فرهنگ ایرانی را در قالب پیچیدگی‌ها و تناقضات آن به تصویر می‌کشند، به آن‌ها کمک کرده است تا از دیدگاه‌های سطحی و کلیشه‌ای خود نسبت به فرهنگ ایرانی فراتر روند. یکی از زبان‌آموزان گفت که پیش از مطالعه داستان‌های معاصر ایرانی، تصور می‌کرد که جامعه ایرانی کاملاً سنتی و یکپارچه است، اما پس از مطالعه این متون، به این نتیجه رسید که فرهنگ ایرانی همچون سایر فرهنگ‌ها، دارای تناقضات و گفتمان‌های متنوع است که فهم آن‌ها نیازمند دقت و توجه به جزئیات فرهنگی است.

4. کاربرد عملی: این مضمون به توانایی زبان‌آموزان در به‌کارگیری دانش فرهنگی کسب‌شده در موقعیت‌های واقعی اشاره دارد. زبان‌آموزان گزارش دادند که توانسته‌اند در تعاملات اجتماعی خود با فارسی‌زبانان، رفتارهای فرهنگی مناسب‌تری از خود نشان دهند و بهتر سوءتفاهم‌های فرهنگی را مدیریت کنند. این فرایند به‌ویژه در موقعیت‌هایی که مفاهیم خاص فرهنگی مانند "تعارف" مطرح بودند، مؤثر واقع شد. زبان‌آموزان پس از درک مفهوم "تعارف" از طریق داستان‌های ادبی، توانستند در تعاملات خود با فارسی‌زبانان رفتارهای مناسبی از خود نشان دهند و تعارفات را به‌درستی تفسیر کنند. یکی از زبان‌آموزان در یادداشت خود نوشت که پس از

درک بهتر مفهوم "تعارف"، توانسته است رفتار میزبان ایرانی را در میهمانی به درستی تفسیر کند و از این طریق تجربه ای مثبت و فرهنگی غنی از تعاملات اجتماعی خود داشته باشد.

5.4. مقایسه واکنش‌های بینا فرهنگی زبان‌آموزان به روایت‌های ادبی فارسی براساس خاستگاه فرهنگی آنان

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که خاستگاه فرهنگی زبان‌آموزان تأثیر چشمگیری بر نحوه واکنش و درک آنان از روایت‌های ادبی فارسی دارد. بر اساس نتایج مصاحبه‌ها و تحلیل‌های کیفی، زبان‌آموزان از فرهنگ‌های مختلف، الگوهای متفاوتی در درک و تفسیر متون ادبی فارسی از خود نشان داده‌اند. این الگوها را می‌توان در چند گروه اصلی طبقه‌بندی کرد. زبان‌آموزان از حوزه فرهنگی خاورمیانه و آسیای میانه (عرب‌زبانان، ترک‌زبانان، افغانستانی‌ها و تاجیک‌ها) به دلیل قرابت فرهنگی-تاریخی با ایران، در درک مفاهیمی چون «تعارف»، «حیا» و «غیرت» موفق‌تر بودند. به عنوان مثال، یکی از زبان‌آموزان افغانستانی در مصاحبه خود بیان داشت: «بسیاری از مفاهیم مطرح‌شده در داستان "مهمان‌ها" برایم آشنا بود، زیرا در فرهنگ ما نیز تعارف و حفظ آبروی میهمان ارزش‌های بنیادی محسوب می‌شوند. این اشتراکات فرهنگی به من کمک کرد تا ظرافت‌های داستان را بهتر درک کنم. در مقابل، زبان‌آموزان از حوزه فرهنگی شرق آسیا (چینی، ژاپنی و کره‌ای) الگوی متفاوتی نشان دادند. آنها در درک مفاهیم مرتبط با حفظ وجهه اجتماعی و روابط سلسله‌مراتبی موفق بودند، اما در درک مفاهیم عرفانی و معنوی ادبیات فارسی با چالش‌های بیشتری روبرو می‌شدند. یکی از زبان‌آموزان چینی اظهار داشت: «مفهوم تعارف و احترام به بزرگ‌ترها در ادبیات فارسی برایم قابل درک بود، اما درک عمیق اشعار عرفانی و معنایی که در پس آنها نهفته است، نیازمند تلاش بیشتری بود. زبان‌آموزان اروپایی، به ویژه در درک مفاهیم عاشقانه و فلسفی ادبیات فارسی موفق بودند، اما در مواجهه با مفاهیم فرهنگی خاص ایرانی مانند «رودربایستی»، «چشم و هم‌چشمی» و «ناموس» دشواری‌های بیشتری را تجربه می‌کردند. یکی از زبان‌آموزان فرانسوی بیان کرد: «اشعار حافظ با مضامین عاشقانه برایم ملموس و زیبا بود، اما درک دقیق مفهوم تعارف در داستان‌های معاصر فارسی برایم گیج‌کننده بود. گاهی نمی‌توانستم تشخیص دهم که آیا تعارف، پیشنهادی صادقانه است یا صرفاً یک رسم اجتماعی. نکته جالب‌توجه این بود که زبان‌آموزان از فرهنگ‌های مختلف در مواجهه با روایت‌های ادبی فارسی، استراتژی‌های متفاوتی برای پل زدن میان فرهنگ خود و فرهنگ ایرانی به کار می‌بردند. زبان‌آموزان آسیای میانه و خاورمیانه بیشتر از استراتژی «یافتن

شبهات‌ها» استفاده می‌کردند، در حالی که زبان‌آموزان غربی بیشتر از استراتژی «کشف تفاوت‌ها» بهره می‌بردند. زبان‌آموزان شرق آسیا نیز بیشتر به «تحلیل روابط اجتماعی» در متون ادبی توجه داشتند. این تفاوت‌ها در نحوه واکنش و درک زبان‌آموزان از فرهنگ‌های مختلف، اهمیت توجه به تنوع فرهنگی در کلاس‌های آموزش زبان فارسی را برجسته می‌سازد. استاد زبان فارسی با آگاهی از این تفاوت‌ها می‌تواند روایت‌های ادبی مناسب‌تری را برای زبان‌آموزان از فرهنگ‌های مختلف انتخاب کند و استراتژی‌های آموزشی خود را متناسب با نیازهای آنان تنظیم نماید. همچنین، این تفاوت‌ها می‌تواند به عنوان فرصتی برای گفتگوهای بین‌فرهنگی عمیق‌تر در کلاس درس مورد استفاده قرار گیرد و به زبان‌آموزان کمک کند تا ضمن آشنایی با دیدگاه‌های متنوع، درک جامع‌تری از مفاهیم فرهنگی پیچیده در ادبیات فارسی کسب نمایند.

5. نتیجه‌گیری

در دنیای امروز، آموزش زبان به‌عنوان یک فرآیند پیچیده و چندوجهی نه تنها به انتقال واژگان و دستور زبان محدود نمی‌شود، بلکه شامل درک عمیق از ابعاد فرهنگی، اجتماعی و تاریخی زبان مقصد نیز می‌باشد. زبان فارسی، به‌عنوان یک زبان با تاریخچه غنی ادبی و فرهنگی، می‌تواند ابزاری کارآمد برای ارتقای درک بین‌فرهنگی زبان‌آموزان باشد. از آنجا که متون ادبی فارسی، از داستان‌های کلاسیک گرفته تا اشعار و متون کهن، سرشار از مفاهیم فرهنگی و اجتماعی هستند، استفاده از این متون می‌تواند فرصتی مناسب برای آشنایی زبان‌آموزان با فرهنگ ایرانی-اسلامی فراهم کند. بدون شک، آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان بدون توجه به این ابعاد فرهنگی نمی‌تواند به درک کامل و شایسته‌ای از زبان منتهی شود. بر همین اساس، هدف اصلی پژوهش حاضر، بررسی تأثیر آموزش زبان فارسی از طریق روایت‌های ادبی بر ارتقای درک بین‌فرهنگی زبان‌آموزان و طراحی الگویی کاربردی برای استفاده مؤثر از این روایت‌ها در فرآیند آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان است. برای دستیابی به این اهداف، پژوهش حاضر از روش تحقیق کیفی و تحلیل محتوا استفاده کرده است. داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختار یافته و بازخوردهای زبان‌آموزان جمع‌آوری شد و سپس به‌وسیله روش تحلیل مضمون تجزیه و تحلیل شدند. در این پژوهش، زبان‌آموزان از کشورهای مختلف فرهنگی مورد بررسی قرار گرفتند تا تأثیرات این رویکرد در درک مفاهیم فرهنگی فارسی و ارتقای توانش بین‌فرهنگی آن‌ها ارزیابی شود. نتایج پژوهش نشان داد که استفاده از روایت‌های ادبی فارسی، تأثیرات چشمگیری در ارتقای درک بین‌فرهنگی زبان‌آموزان داشته است. متون ادبی فارسی،

مانند داستان‌ها و اشعار کلاسیک، به زبان‌آموزان کمک کرده‌اند تا مفاهیمی چون "تعارف"، "آبرو" و "حیا" را به‌طور عمیق‌تری درک کنند و ارتباطات فرهنگی خود را تقویت نمایند. علاوه بر این، زبان‌آموزان از فرهنگ‌های مختلف با استفاده از استراتژی‌های مختلف مانند «یافتن شباهت‌ها» و «کشف تفاوت‌ها»، توانسته‌اند درک بهتری از مفاهیم فرهنگی فارسی پیدا کنند. در نهایت، این پژوهش تأکید می‌کند که آموزش زبان فارسی از طریق روایت‌های ادبی نه تنها می‌تواند به زبان‌آموزان در تقویت مهارت‌های زبانی کمک کند، بلکه آن‌ها را قادر می‌سازد تا به درک عمیق‌تری از مفاهیم فرهنگی و اجتماعی دست یابند و توانش بینا فرهنگی خود را افزایش دهند. این رویکرد آموزشی می‌تواند به‌عنوان یک ابزار مؤثر برای گسترش آموزش زبان فارسی در سطح جهانی و تقویت ارتباطات بینا فرهنگی مورد استفاده قرار گیرد.

پیشنهادات پژوهشی برای آینده

1. بررسی تأثیر روایت‌های ادبی فارسی در آموزش مهارت‌های گفتاری و نوشتاری زبان‌آموزان.
2. تحقیق بر روی استفاده از متون ادبی فارسی در آموزش زبان به گروه‌های سنی مختلف.
3. مطالعه تطبیقی تأثیر آموزش زبان فارسی از طریق ادبیات در مقایسه با زبان‌های دیگر.
4. ارزیابی اثرات استفاده از اشعار فارسی بر درک مفاهیم فرهنگی و فلسفی در زبان‌آموزان.
5. بررسی چالش‌ها و راه‌حل‌های آموزش متون ادبی پیچیده فارسی به غیرفارسی‌زبانان.

منابع:

- احمد بدخشان، مینا محمدی کودزری. 1403. آشنایی با ابزارهای نوین فناوری اندرویدی به منظور ارتقای کیفیت در آموزش زبان و ادبیات فارسی. هشتمین همایش ملی پژوهش‌های نوین در حوزه زبان و ادبیات ایران
- امیررضا وکیلی فرد *، الهام عباسی جوکندان. 1403. توانش ارتباطی بینا فرهنگی در کلاس‌های آموزش زبان فارسی: دیدگاه فارسی‌آموزان غیرایرانی. تحقیقات فرهنگی ایران 1. 34-7.
- جبران خلیل جبران، سهیل بشروئی، مسیحا برزگر. 1397. جبران خلیل جبران: عاشقانه‌ها، جاودانه‌ها، عارفانه‌ها: متن دو زبان (فارسی - انگلیسی). کتاب خورشید
- رحمان نوازی. 1403. از متن تا گفتمان: نقش انتقادی زبان در بازتولید گفتمان قدرت و ایدئولوژی در ادبیات معاصر عرب: راهنمای عملی تحلیل گفتمان انتقادی. جهاد دانشگاهی، سازمان انتشارات
- زهرا سعادت نژاد، محمد رضا فارسیان*. 1398. تقویت توانش بینا فرهنگی از خلال متون ادبی و راهبردهای آموزش آن در زبان فرانسه. جستارهای زبانی. 345-372.
- زهره نفیسی، فرهاد ساسانی، مهرناز ثقفی. 1392. مطالعه بینا فرهنگی "زبان غیرمودبانه": عملکرد انگلیسی‌زبانان آمریکایی، فارسی‌زبانان، و زبان‌آموزان ایرانی. وزارت علوم، تحقیقات و فناوری - دانشگاه الزهراء - دانشکده ادبیات، زبان‌های خارجی و تاریخ
- سیاوش مرشدی، کمال الدین آرخی. 1396. بررسی و تحلیل تأثیر ادبیات فارسی بر ادبیات ترکمن با رویکرد زیبایی‌شناسی. زیبایی‌شناسی ادبی. 65-93.
- صفوی، م.، احمدی، ح. و رضایی، ف. (1398). بررسی تأثیر استفاده از داستان‌های کوتاه انگلیسی بر توسعه‌ی توانش بینا فرهنگی زبان‌آموزان ایرانی. پژوهش‌های زبان‌شناختی در زبان‌های خارجی، 9(2)، 450-431.

- فهيمه لطيفى. 1401. مناسب ترين داستان ها و اشعار كودكانه با هدف آموزش ادبيات به دانش آموزان و مزايای استفاده از آن ها در تدريس. پنجمين همایش بين المللی روانشناسی، علوم تربیتی و مطالعات اجتماعی
- محمد رئيسی. 1398. آداب تشریفات: تشریفات رسمی و ملی، تشریفات سیاسی و بین المللی، آداب و رسوم اجتماعی (اتیکت). وزارت امور خارجه، اداره چاپ و انتشارات
- محمدادی محمدی، ندا راستین مهر. 1403. فارسی آموز ادبی: آرش کمان دار: ویژه ی بزرگسالان، نوجوانان، زبان آموزان خارجی. نشر چیستا
- مصطفائی علائی مهناز، آهوان سادات. 1395. ارزیابی توانش بینا فرهنگی کتاب های آموزش زبان فارسی به غیرفارسی زبانان از دیدگاه مدرسان آموزش زبان فارسی. نخستین همایش ملی واکاوی منابع آموزش زبان فارسی به غیر فارسی زبانان
- مصطفی سلیمانی نژاد. 1392. تاثیر ادبیات قومی بر ادبیات ملی (با نگاهی به قصه عاشقانه ی عزیز و نگار). نوین پویا
- مهدی خدادادیان*. 1403. رویکرد مدرسان به آموزش زبان فارسی به غیرفارسی زبانان از طریق متون ادبی دارای ویژگی فرهنگی. زبان پژوهی 52. 183-217.
- میر دهقان مهین ناز، یوران مریم، عباسیان فاطمه. 1395. آموزش واژگان زبان فارسی از طریق روایت نام آواها به کودکان کرد زبان ایلامی. نخستین همایش ملی واکاوی منابع آموزشی زبان فارسی به غیر فارسی زبانان
- ویدا صلاحی. 1403. (نقش ادبیات و فرهنگ در آموزش زبان انگلیسی). چهارمین کنفرانس بین المللی تحقیقات پیشرفته در مدیریت و علوم انسانی
- یوسفی، ا. و محمدی، س. (1400). بررسی تأثیر آموزش زبان فارسی از طریق متون ادبی معاصر بر درک فرهنگی غیرفارسی زبانان. پژوهش نامه ی آموزش زبان فارسی به غیرفارسی زبانان، 10(1)، 83-102.

References

- Ahmadian, M., & Pashangzadeh, A. (2013). A study of the effect of using narratives on Iranian EFL learners' reading comprehension ability. *International Journal of Applied Linguistics and English Literature*, 2(3), 153-162.
- Ayber, P. O., & Hojeij, Z. (2021). Promoting intercultural awareness through stories: A UAE case. *Journal of Teaching and Teacher Education*, 9(02), 59-69.
- Ahmad Badakhshan, Mina Mohammadi Kodzari. 1403. Introduction to new Android technology tools to improve the quality of Persian language and literature education. The 8th National Conference on Modern Research in the Field of Iranian Language and Literature
- Amirreza Vakilifard *, Elham Abbasi Jokandan. 1403. Intercultural communication skills in Persian language classes: The perspective of non-Iranian Persian learners. *Iranian Cultural Research* 1. 7-34.
- Fahimeh Latifi. 1401. The most appropriate children's stories and poems for teaching literature to students and the benefits of using them in teaching. The 5th International Conference on Psychology, Educational Sciences and Social Studies
- Gibran Khalil Gibran, Soheil Boshroi, Masiha Barzegar. 2018. Gibran Khalil Gibran: Romances, Immortals, Mysticism: Bilingual Text (Persian - English). The Book of the Sun
- Heidarian, Z., & Heydon, R. (2025). The Impact of Short Stories in EFL Classrooms: Enhancing Language Skills, Attitudes, and Perceptions in Two Iranian Schools. In *Belonging in Culturally Diverse Societies-Official Structures and Personal Customs*. IntechOpen.
- Mohammad Raisi. 2019. *Etiquette: Official and national ceremonies, political and international ceremonies, social customs and traditions (etiquette)*. Ministry of Foreign Affairs, Printing and Publications Department
- Mohammad Hadi Mohammadi, Neda Rastin Mehr. 1403. *Literary Persian Learner: Arash Kamandar: Especially for adults, teenagers, foreign language learners*. Chista Publishing

- Mostafaei Alaei Mahnaz, Ahvan Sadat. 2016. Evaluating the intercultural competence of books teaching Persian to non-Persian speakers from the perspective of Persian language teachers. The first national conference on analyzing sources of teaching Persian to non-Persian speakers
- Mostafa Soleimani Nejad. 2013. The impact of ethnic literature on national literature (with a look at the love story of Aziz and Negar). Novin Pouya
- Mehdi Khodadadian*. 2013. Teachers' approach to teaching Persian to non-Persian speakers through literary texts with cultural characteristics. Language Studies 52. 183-217.
- Mir Dehghan Mahin Naz, Youran Maryam, Abbasian Fatemeh. 2016. Teaching Persian vocabulary through narration of phonetic names to Elamite Kurdish children. The first national conference on analyzing Persian language educational resources for non-Persian speakers
- Namaziandost, E., Nasri, M., Rahimi Esfahani, F., Neisi, L., & Ahmadpour KarimAbadi, F. (2020). A cultural comparison of Persian and English short stories regarding the use of emotive words: implications for teaching English to Iranian young learners. Asian-Pacific Journal of Second and Foreign Language Education, 5(1), 7.
- Rahman Navazani. 1403. From Text to Discourse: The Critical Role of Language in Reproducing the Discourse of Power and Ideology in Contemporary Arab Literature: A Practical Guide to Critical Discourse Analysis. Jihad Daneshgahi, Publishing Organization
- Siavash Morshedi, Kamaluddin Arkhi. 2017. A Study and Analysis of the Influence of Persian Literature on Turkmen Literature with an Aesthetic Approach. Literary Aesthetics. 65-93.
- Safavi, M., Ahmadi, H. and Rezaei, F. (2019). A Study of the Influence of Using English Short Stories on the Development of Intercultural Competence of Iranian Learners. Linguistic Research in Foreign Languages, 9(2), 450-431.
- Vida Salahi. 2013. (The role of literature and culture in English language teaching). The fourth international conference on advanced research in management and humanities
- Yousefi, A. and Mohammadi, S. (2012). Studying the impact of teaching Persian language through contemporary literary texts on the cultural understanding of non-Persian speakers. Journal of Persian Language Teaching to Non-Persian Speakers, 10(1), 102-
- Zahra Saadat Nejad, Mohammad Reza Farsian*. 2019. Enhancing Intercultural Competence through Literary Texts and Strategies for Teaching It in French. Linguistic Essays. 345-372.
- Zohreh Nafisi, Farhad Sassani, Mehrnaz Saghafi. 2013. An Intercultural Study of "Improper Language": The Performance of American English Speakers, Persian Speakers, and Iranian Learners. Ministry of Science, Research and Technology - Al-Zahra University - Faculty of Literature, Foreign Languages and History.

Examining the Impact of Teaching Persian Language through Literary Narratives on Enhancing Learners' Intercultural Understanding

Keywords: Persian language teaching, literary narratives, intercultural understanding, Persian texts, communicative skills

Summary:

This study examines the impact of teaching Persian language through literary narratives on enhancing the intercultural understanding of language learners. Persian, with its rich literary and cultural history, is recognized as an effective tool for strengthening intercultural awareness and communicative competence in learners. The aim of this research is to analyze the impact of Persian literary texts, including short stories and classical poetry, on the understanding of cultural concepts by language learners and to design a practical framework for effectively utilizing these texts in Persian language classrooms. This study uses a qualitative method and content analysis, gathering data through semi-structured interviews and feedback from learners, and conducting thematic analysis. The results showed that the use of Persian literary narratives had significant effects on enhancing learners' intercultural understanding, enabling them to better comprehend complex cultural concepts such as "ta'arof" (polite refusals), "honor" (abroo), and "modesty" (haya). As a result, teaching Persian through literary narratives not only aids in developing language skills but also enables learners to grasp cultural concepts and enhance their intercultural competence.

دراسة تأثير تعليم اللغة الفارسية من خلال السرد الأدبي في تحسين الفهم بين الثقافات لدى متعلمي اللغة

م. م. عقيل فاضل كريم شريفة

مديرة تربية الكرخ الثانية- وزارة التربية



skonoskoon@gmail.com

الكلمات المفتاحية: تعليم اللغة الفارسية، السرد الأدبي، التفاهم بين الثقافات، النصوص الفارسية، مهارات التواصل
المخلص:

يتناول هذا البحث دراسة تأثير تعليم اللغة الفارسية من خلال السرديات الأدبية على تعزيز الفهم بين الثقافات لدى متعلمي اللغة. وتُعدّ اللغة الفارسية، بما تمتلكه من إرث أدبي وثقافي غني، أداة فعالة في تنمية الفهم بين الثقافات والكفاءة التواصلية لدى المتعلمين. يهدف هذا البحث إلى تحليل أثر النصوص الأدبية الفارسية، بما في ذلك القصص القصيرة والأشعار الكلاسيكية، على فهم المتعلمين للمفاهيم الثقافية، وكذلك إلى تصميم نموذج تطبيقي يُعزز الاستخدام الفعال لهذه النصوص في دروس تعليم اللغة الفارسية.

وقد استندت الدراسة إلى منهجية نوعية من خلال تحليل المحتوى، حيث تم جمع البيانات عبر مقابلات شبه مُنظمة وملاحظات وردود فعل المتعلمين، وتم تحليلها باستخدام منهج تحليل المضمون. وأظهرت النتائج أن استخدام السرديات الأدبية الفارسية كان له تأثير ملحوظ في تعزيز الفهم بين الثقافات لدى المتعلمين، إذ تمكّنوا من استيعاب مفاهيم ثقافية معقدة مثل "التعارف"، و"الكرامة الاجتماعية"، و"الحياء" بشكل أعمق.

وعليه، فإن تعليم اللغة الفارسية عبر السرديات الأدبية لا يقتصر على تطوير المهارات اللغوية، بل يسهم أيضاً في تمكين المتعلمين من فهم الأبعاد الثقافية والتفاعل معها، مما يعزز كفاءتهم في التفاعل بين الثقافات.